



مدرسه علمیه عالی نواب

پایان نامه سطح سه

رشته تخصصی ادبیات عرب

عنوان:

مباحث بیانی تفسیر المیزان و تطبیق آن با  
مبحث بیانی تفسیر کشاف

استاد راهنما:

جناب آقای حجة الاسلام و المسلمین دکتر خیاط

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین مهدی رضایی

تدوین و نگارش:

محمد غلامی

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیم به

پیشگاه مقدس شهدای اسلام، خصوصاً شهیده طریق ولایت، ام‌الائمہ و غوث‌الامہ، سیدۃ‌نساء‌العالمین، حضرت صدیقہ کبری، فاطمۃ‌الزہراء سلام‌الله‌علیہا و همچنین تمام شہدایی کہ از اول اسلام تا کنون در مسیر احیاء و اعتلاء فرهنگ قرآن و عترت، از ارزشمندترین داشته خود دریغ نورزیده و در سلوکی عارفانہ، جان شیرین خویش را بذل نمودند و لاسیما سردار دلہا.

## قدردانی و سپاس

قال رسول الله 9: لم يشكر الله من لم يشكر الناس<sup>1</sup>

حمد و سپاس، مخصوص خدایی است که با اسبغ نعم جزيله، بنده ناسپاس خویش را، موفق به مطالعه و پژوهش در شعاع آیات پرفروغ قرآن نمود، و سلام و صلوات بی پایان بر نبی مکرم اسلام و خاندان پاکش که عادتهم الاحسان و سجیتهم الکرّم و هر چه داریم و نداریم از آنان است و به لطف نگاه ایشان، سر در این سرا داریم.

بر خود لازم می دانم ضمن تشکری وافر، از اساتید گرامی حضرت حجة الاسلام و المسلمین دکتر خیاط و حضرت حجة الاسلام و المسلمین استاد رضایی، که تمامی رنجها و زحمات بی حساب این شاگرد خویش را مهربانانه تحمل نمودند و همچون چراغی فروزان، مسیر صواب را به وی رهنمون گشتند، طلب حلالیت نموده و مراتب ارادت خویش را تقدیمشان نمایم.

و نیز در برابر همه وفاداری های همسر که دعا و نگاه گرمش را در تمامی آنات اشتغال به این تحقیق، بدرقه راهم نمود و پشتیبانم بود، سر تعظیم فرود آورده و از رب العالمین توفیق جبران محبت های او را طلب می نمایم.

---

<sup>1</sup>. ابن بابویه، محمد بن علی، روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم، ۱۴۰۶

## چکیده

در این نوشتار در فصل اول و به عنوان کلیات، به سراغ کتبی پیرامون زندگی نامه علامه طباطبایی و زمخشری رفته و مطالبی در این زمینه گردآوری شده و همچنین علت انتخاب این دو تفسیر و نیز مطالبی پیرامون علم بیان ذکر می‌گردد. فصل دوم به شیوه‌های بهره‌مندی علامه در المیزان از مباحث ادبی کشف می‌پردازد و با استقراء مطالب ادبی و بیانی المیزان به میزان توجه این تفسیر شیعی به یکی از بهترین تفاسیر اهل سنت پرداخته می‌شود. در فصل سوم نتایج تحقیقاتی فراگیر پیرامون مطالب بیانی المیزان ذکر می‌شود؛ در این فصل تمام مجلدات المیزان بررسی شده و همه مباحث بیانی این تفسیر در حد وسع إحصاء گشته و سپس این مطالب به تفسیر کشف عرضه شده و مشترکات این دو تفسیر در این فصل ذکر می‌گردد. در فصل چهارم در ضمن ذکر مطالب بیانی این دو تفسیر، آراء این دو اندیشمند جهان اسلام با هم تطبیق داده و مقایسه و سپس به کمک کتب دسته اول بلاغی تحلیل می‌شود. در فصل پنجم به عنوان آخرین فصل، مجموع مطالب بیانی المیزان یکجا ذکر می‌گردد.

۱۲	فصل اول
۱۲	کلیات
۱۳	گفتار اول) معرفی علامه طباطبایی و تفسیر المیزان
۱۳	مبحث اول) زندگینامه
۱۳	مبحث دوم) اساتید
۱۴	مبحث سوم) شاگردان
۱۴	مبحث چهارم) نظر دیگران درباره علامه
۱۶	مبحث پنجم) آثار
۱۶	مبحث ششم) معرفی المیزان
۱۶	مبحث هفتم) سبب نگارش المیزان
۱۷	مبحث هشتم) کارهای صورت گرفته پیرامون المیزان
۱۷	مبحث نهم) المیزان و علم بلاغت
۱۸	گفتار دوم) معرفی زمخشری و تفسیر کشف
۱۸	مبحث اول) زندگینامه
۱۸	مبحث دوم) تالیفات زمخشری
۱۸	مبحث سوم) شخصیت زمخشری در نگاه دیگران
۱۹	مبحث چهارم) تفسیر کشف
۱۹	مبحث پنجم) کشف و علم بلاغت
۲۰	مبحث ششم) نظر دیگران در مورد کشف
۲۰	مبحث هفتم) کشف و سائر تفاسیر
	مبحث هشتم) تأثیر المیزان از کشف
	گفتار سوم) علت این انتخاب
	گفتار چهارم) معرفی علم بیان و اینکه چرا این علم انتخاب شد؟
	فصل دوم
	بهره مندی علامه از زمخشری
	گفتار اول: ذکر و عدم ذکر نام زمخشری در نقل قولها
	مبحث اول) نقل با ذکر نام
	مبحث دوم) نقل بدون ذکر نام زمخشری
	گفتار دوم: نقل به نص یا نقل به مضمون
	مبحث اول) نقل به صورت ذکر نص کلام زمخشری
	مبحث دوم) نقل به مضمون از کلام زمخشری
	گفتار سوم: میزان دقت علامه در نقل مطالب کشف
	گفتار چهارم: موضع علامه طباطبایی در قبال کلام زمخشری
	مبحث اول) تأیید آراء و نظریات زمخشری
	مبحث دوم) رد نظر زمخشری
	مبحث سوم) ذکر کلام زمخشری بدون تأیید یا رد
	فصل سوم
	تطبیق المیزان با کشف

فصل چهارم	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
تحليل و تحقيق مطالب	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
فصل پنجم	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
ضمانت؛ مجموع مطالب بياني الميزان	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
گفتار اول) تشبيه و تمثيل	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
گفتار دوم) مَثَل	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
گفتار سوم) مجاز	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
گفتار چهارم) استعاره	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
گفتار پنجم) مجاز مرسل	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
گفتار ششم) كنايه	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
گفتار هفتم) تعريض	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
گفتار هشتم) تلويح	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
گفتار نهم) اشاره و رمز و ايماء	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
فهرست منابع	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

## تعریف و تبیین موضوع

موضوع این نوشته عبارت است از بلاغت در کلام و بررسی کاربردهای بلاغی در متون دینی. در ابتداء در انتخاب یک متن متقن که بتوان کاربرد مطالب بلاغی را در آن تبیین نمود تردید وجود داشت ولی با توجه به این نظریه که برخی قائلند اعجاز اصلی و اولیه قرآن اعجاز بلاغی آن است، تصمیم بر این شد به کاربرد بلاغت در قرآن پرداخته شود. از آنجایی که برخی مفسرین تا حدی این کار را پیش برده بودند به دنبال یک تفسیر مناسب در این زمینه، تفسیر المیزان و جلوه های بلاغی آن را برگزیدیم، اما چون مطالعه و بررسی هر سه بخش معانی و بیان و بدیع در تمام بیست جلد المیزان کار پر زحمتی بود لذا فقط علم بیان را مطمع نظر قرار دادیم.

## ضرورت تحقیق

یکی از علوم پرکاربرد ولی مظلوم در حوزه های علمیه علم بلاغت است. شاید یکی از علل این غربت عدم ملموس بودن گزاره های این علم برای طلبه است به طوری که نمی داند این مطالبی که مثلا در شرح مختصر تفتازانی می خواند در کجای طلبگی او نقش دارد و یا در کجای فهم او از منابع دینی مفید واقع خواهد شد. ساختار دروس حوزه نیز احیانا این عویصه را تقویت کرده و موارد کاربرد این علم را به طلبه نشان نمی دهد و حتی ممکن است کتب و منابع ساده و صریح نیز برای جبران این کمبود یافت نشود که البته اخیرا از حیث منابع، پیشرفت قابل ملاحظه ای حاصل شده است. لذا بر آن شدیم تا در این زمینه گام برداریم. در حین جستجوی یک متن خوب، با مطلب جالب و البته تاسف برانگیزی مواجه شدیم و آن مطلب عبارت بود از کثرت اشتغال و پرداخت محققین به تفاسیر اهل سنت و تعدد مکتوبات پیرامون ابعاد مختلف این تفاسیر؛ مثلا بر تفسیر کشاف ده حاشیه فقط از جانب شیعیان<sup>۲</sup> و بر تفسیر انوارالتنزیل نیز حدود بیست تعلیقه و حاشیه به قلم شیعیان<sup>۳</sup> نگاشته شده است و مکتوبات خود اهل سنت بسیار بیشتر از این بود. اما وقتی سراغ تفاسیر شیعی و تفسیر متقن و گران سنگی همچون المیزان که از مهمترین و پر استقبال ترین تفاسیر شیعی است رفتیم، دیدیم که پیرامون آن کارهای بسیار محدود در حد ترجمه و نگارش فهرست موضوعی و چند پایان نامه و برخی کارهای جزئی انجام شده است و همین خود سبب عزم نگارنده برای نگارش این سطور شد.

---

<sup>۲</sup> استادی، رضا، آشنایی با تفاسیر ص ۲۹۶

<sup>۳</sup> همان، صفحه ۳۲۲



همچنین در بسیاری از مراکزی که به ادبیات عرب پرداخته می‌شود شاهدیم که یا درسی به نام تفسیر بلاغی ندارند و یا برای درسی مثل تفسیر بلاغی قرآن کریم، محتوای کاربردی و مفیدی ندارند که این پژوهش‌ان شاء الله این کمبود را نیز پوشش خواهد داد.

### اهداف تحقیق

غرض اساسی از اقدام به نگارش این موضوع خاص چهار چیز است:

اولاً) ارائه کاربردهای بسیار مطالب مدرسه بلاغی در حوزه تطبیقی آیات

ثانیاً) تنظیم مجموعه‌ای مفید و کاربردی برای مراجعه و تمرین آموزه‌های بلاغی

ثالثاً) جبرانِ حداقلیِ خلأ پرداخت به تفاسیر شیعی

رابعاً) ارائه محتوا برای کلاس‌های تفسیر بلاغی

### سؤالات اصلی

۱- آیا تفسیر میزان می‌تواند به عنوان یک منبع غنی در این جهت استفاده شود؟

۲- آیا مطالب بیانی تفسیر میزان قابل رقابت با مطالب تفاسیری مانند کشاف می‌باشد؟

### سؤالات فرعی

۱- آیا در تفاسیر شیعی نیز به مباحث بلاغی آیات پرداخته شده است؟

۲- مطالب بیانی بلاغی تفسیر کشاف از لحاظ کمیت و کیفیت چگونه است؟

۳- آیا مطالب بلاغی مطروحه در حوزه‌های علمیه، جنبه کاربردی هم دارد؟

ما فرض را بر این گرفتیم که میزان بر خلاف باور مرسوم، دارای مطالب بیانی ارزشمندی است و توضیحات علامه در آیاتی که جنبه بلاغی دارد، توضیحات دقیق و قابل قبولی است.

## پیشینه تحقیق

همان طور که یادآور شدیم جنبه های متعدد کارهای پژوهشی حول تفاسیر شیعی، دچار خلأ است از جمله همین موضوعی که این پایان نامه به آن پرداخته است که عبارت باشد از گردآوری مطالب بیانی المیزان با این حجم، پژوهشی نو و بی سابقه است، خصوصاً که تصمیم گرفته شد در نهایت، مطالب بیانی این تفسیر با مطالب بیانی کشاف که از تفاسیر معروف ادبی و بلاغی است، تطبیق داده شده و سپس میان نظریات این دو مفسر مقایسه و تحلیل صورت گیرد. البته در رابطه با پژوهش های تطبیقی میان این دو تفسیر کارهای خوبی انجام شده است مانند پایان نامه ارشد با عنوان «بررسی مقارنه ای اغراض تشبیه در قرآن بین کشاف و المیزان» و برخی کارهای دیگر، همچنین در مورد خصوص تفسیر المیزان نیز کارهایی مانند پایان نامه های ارشد با عنوان «بلاغت استعاره در المیزان» و «بررسی تشبیه در تفسیر المیزان» و «بررسی کنایه در تفسیر المیزان» و ... انجام شده است اما اثر پیش رو از دو جهت، متمایز است:

اول اینکه به بررسی تمام مطالب بیانی تفسیر المیزان پرداخته نه صرفاً به استعاره یا کنایه یا تشبیه و یا ...

دوم اینکه این گستردگی را در تطبیق با مطالب کشاف نیز به کار بسته است.

## ساختار تحقیق

این نوشتار فارغ از چکیده و مقدمه، مشتمل بر پنج فصل می باشد؛

فصل اول) کلیات

فصل دوم) بهره مندی علامه از مطالب ادبی کشاف

فصل سوم) تطبیق مطالب بیانی المیزان با مطالب بیانی کشاف

فصل چهارم) تحقیق و تحلیل مطالب دو تفسیر

فصل پنجم) مجموع مطالب بیانی تفسیر المیزان

## روش تحقیق

ما در این نوشتار به روش کتابخانه ای کار را به پیش برده‌ایم، به این ترتیب که اول تمام مجلدات تفسیر المیزان بررسی شده و مطالب بیانی آن استخراج شد. سپس این مطالب به تفسیر کشاف عرضه شده و در هر مورد که در کشاف نیز مطالب مرتبط بیان شده بود، جمع آوری گشت، و در مرحله پایانی به تحلیل این داده ها پرداخته و نظر صائب ارائه گردید.

## نوآوری و ابتکار

اگر چه اندیشمندان و محققین مراکز علمی زحمات فراوانی کشیده و آثار بدیعی خلق نموده‌اند، اما ابتکار و ابداع این اثر پیش رو، نوع نگاه و رویکرد به تفاسیر شیعی است با این حجم بالای از پژوهش است؛ چرا که تا به حال چنین پژوهش وسیعی که شامل همه مطالب بیانی یک تفسیر باشد سابقه نداشته و بر فرض سابقه، با همین وسعت مطالب به مرحله تطبیق با تفاسیر اهل سنت و سپس مرحله تحلیل مطالب نرسیده است.

# فصل اول

## کلیات

در این فصل به معرفی علامه طباطبایی و تفسیر ایشان و نیز جناب زمخشری و تفسیر وی، همچنین علت انتخاب این دو تفسیر خواهیم پرداخت و در نهایت توضیح داده می شود که چرا در این پژوهش از پنجره علم بیان به این دو تفسیر پرداخته شده است.

## گفتار اول) معرفی علامه طباطبایی و تفسیر المیزان

### مبحث اول) زندگینامه

علامه محمدحسین طباطبایی متولد سال ۱۲۸۱ش در تبریز می باشد. اجداد علامه تا چهارده نسل همگی از علماء و بزرگان بوده اند. سید محمدحسین در ۵سالگی مادر و در ۹ سالگی پدر خود را از دست داد. ایشان از حدود ۱۶سالگی بطور رسمی دروس حوزه را شروع کرده و در مدت هفت سال، مقدمات و سطح را تمام نمود. در ۲۳ سالگی برای ادامه تحصیل راهی نجف شد. ۱۰ سال در نجف از محضر اساتید بنام استفاده‌ها نمود و سپس در سال ۱۳۱۴ش به تبریز بازگشت و حدود ۱۱ سال در موطن خود، تشنگان علم و معرفت را سیراب نمود. در سال ۱۳۲۴ش به قم سفر کرد و دیگر نتوانست از شعاع نورانیت حضرت معصومه سلام الله علیها جدا شود و تا پایان عمر در همان دیار باقی ماند. علامه با توجه به بصیرت و روح نیازسنجی خود، در قم به دو علم تفسیر و فلسفه پرداخت و آثار ارزشمندی را در این دو علم خلق نمود. در نهایت خورشید عمر ایشان در سال ۱۳۶۰ش غروب کرده و بدن مطهر او پس از اقامه نماز میت توسط مرحوم آیت الله گلپایگانی در جوار کریمه اهل بیت دفن گردید.<sup>۴</sup>

### مبحث دوم) اساتید

در فقه و اصول: میرزای نائینی (ره) و محقق اصفهانی (ره)

در فلسفه: محقق سید حسین بادکوبه‌ای

در ریاضیات: ابوالقاسم خوانساری

در اخلاق و عرفان: آیت الحق سید علی آقای قاضی

---

<sup>۴</sup> صلواتی، عبدالله، علامه طباطبایی و تفسیر المیزان ص ۵

## مبحث سوم) شاگردان

علامه طباطبایی شاگردان زیادی را به جامعه تحویل داد که از جمله به این بزرگان اشاره می‌شود:

۱. شهید مطهری ۲. شهید بهشتی ۳. شهید مفتاح ۴. امام موسی صدر ۵. آیت الله سید عزالدین زنجانی
۶. آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی ۷. آیت الله منتظری ۸. آیت الله مکارم شیرازی ۹. آیت الله نوری همدانی ۱۰. آیت الله جوادی آملی ۱۱. آیت الله جعفر سبحانی ۱۲. آیت الله حسن زاده آملی ۱۳. آیت الله میانجی ۱۴. آیت الله امینی ۱۵. آیت الله مصباح یزدی ۱۶. مرحوم سید جلال الدین آشتیانی

## مبحث چهارم) نظر دیگران درباره علامه

استاد شهید مطهری درباره علامه چنین می‌گوید: «این مطالب را من همه‌اش را از علامه طباطبایی گرفته‌ام، یعنی اصولاً من بیشتر مطالبی را که در کتاب‌ها و نوشته‌های خود دارم، شاید ریشه‌هایش را از علامه طباطبایی و خصوصاً از المیزان گرفته‌ام. علامه طباطبایی خیلی شخصیت عجیبی است. ایشان یک سبک بیان و اسلوب خاصی دارند. مطالب عالی، عالی‌ترین مسائل و معارف را آن چنان به راحتی و در جملات کوتاه بیان می‌فرمایند که وصف ناشدنی است و حتی خودشان هم گاه توجه ندارند، یعنی به نظر من ایشان مطالب را در یک حالت الهام مانند می‌نویسد»<sup>۵</sup>

یکی از شاگردان علامه: «علامه انسانی وارسته، مهذب، خوش اخلاق، مهربان، عفیف، متواضع، مخلص، بی‌هوا و هوس، صبور، بردبار، شیرین و خوش مجلس بود. من در حدود سی سال با استاد حشر و نشر داشتم... به یاد دارم که در طول این مدت حتی یک بار عصبانی شده باشد و بر سر شاگردان داد بزند یا کوچک‌ترین سخن تندی یا توهین آمیزی را بر زبان جاری سازد. خیلی آرام و متین درس می‌گفت و هیچ‌گاه داد و فریاد نمی‌کرد، خیلی زود با افراد انس می‌گرفت و صمیمی می‌شد. با هرکس حتی کوچک‌ترین فرد طلاب چنان انس می‌گرفت که گویا از دوستان صمیمی اوست... گاهی که به عنوان استاد مورد خطاب قرار می‌گرفت می‌فرمود: «این تعبیر را دوست ندارم ما اینجا گرد آمده‌ایم تا با تعاون و هم‌فکری، حقایق و معارف اسلامی را دریابیم» استاد بزرگوار بسیار مؤدب بود به سخنان دیگران خوب گوش می‌داد، سخن کسی را قطع نمی‌کرد

<sup>۵</sup> حسینی تهرانی، سیدمحمدحسین، مه‌رتابان، ص ۴۴

و اگر سخن حقی را می شنید تصدیق می کرد، از مباحثات جدلی گریزان بود ولی به سؤالها، بدون خودنمایی پاسخ می داد»<sup>۶</sup>

دختر علامه می گوید: «اخلاق و رفتار ایشان در منزل محمدی بود. هرگز عصبانی نمی شدند و هیچ وقت صدای بلند ایشان را در حرف زدن نشنیدیم. در عین ملایمت، بسیار قاطع و استوار بودند و مقید به نماز اول وقت، بیداری شبهای ماه رمضان، قرائت قرآن با صدای بلند و نظم در کارها بودند. دست رد به سینه کسی نمی زدند و این به سبب عاطفه شدید و رقت قلب بسیار ایشان بود. بسیار کم حرف بودند، پرحرفی را موجب کمی حافظه می دانستند. بسیار ساده صحبت می کردند به طوری که گاهی آدم گمان می کرد این یک فردی عادی و عامی است... می گفتند شخصیت را باید خدا بدهد و با چیزهای دنیوی هرگز انسان شخصیت کسب نمی کند... آرام و صبور با مسائل برخورد می کردند. با این که وقت زیادی نداشتند ولی طوری برنامه ریزی می کردند که روزی یک ساعت بعد از ظهرها در کنار اعضای خانواده باشند... رفتارشان با مادرم بسیار احترام آمیز و دوستانه بود همیشه طوری رفتار می کردند که گویی مشتاق دیدار مادرم هستند. ما هرگز بگو مگو و اختلافی بین آن دو ندیدیم... آن دو واقعاً مانند دو دوست باهم بودند. در خانه اصلاً مایل نبودند کارهای شخصی شان را کس دیگری انجام دهد... ایشان برای بچه ها مخصوصاً دخترها ارزش بسیاری قائل بودند. دخترها را نعمت خدا و تحفه های ارزنده ای می دانستند. همیشه بچه ها را به راستگویی و آرامش دعوت می کردند. دوست داشتند آوای صوت قرآن در گوش بچه ها باشد. برای همین منظور قرآن را بلند می خواندند و به مؤدب بودن بچه اهمیت می دادند و رفتار پدر و مادر را به بچه ها مؤثر می دانستند. درباره مادرم می فرمود: این زن بود که مرا به اینجا رساند. او شریک من بوده است و هرچه کتاب نوشته ام نصفش مال این خانم است»<sup>۷</sup>

<sup>۶</sup> امینی، ابراهیم، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۲۲

<sup>۷</sup> تاجدینی، علی، یادها و یادگارها، ص ۴۰

## مبحث پنجم) آثار

از مرحوم علامه آثار زیادی در زمینه های مختلف باقی مانده که به بعضی از مهمترین آن اشاره می شود:

۱. المیزان فی تفسیر القرآن ۲. بدایه الحکمه (در فلسفه) ۳. نهایه الحکمه (در فلسفه) ۴. شیعه در اسلام
۵. اصول فلسفه و روش رئالیسم ۶. قرآن در اسلام ۷. سنن النبی ۸. حاشیه بر کفایه ۹. حاشیه بر اسفار ۱۰. دیوان شعر فارسی

## مبحث ششم) معرفی المیزان

المیزان یکی از بهترین تفاسیری است که در قرن ۱۵ هجری در جهان تشیع پدید آمد و حتی مورد توجه نخبگان اهل سنت نیز واقع شد. این تفسیر که روش تفسیر قرآن به قرآن را پیش گرفت توانست با توان اجتهادی مولف، قرآن را به کمک خود قرآن به خوبی تبیین نماید و سپس در پایان هر بخش تفسیری، روایات مربوطه را نیز به صورت تخصصی و پالایش شده مطرح نماید. از دیگر مزایای این تفسیر پژوهش های فوق العاده ای است که علامه به صورت موضوعی در زمینه فلسفه، علوم روز، تاریخ انبیاء و ... مطرح می کند و هر یک، مقاله ای مجزا محسوب می شود.

## مبحث هفتم) سبب نگارش المیزان

خود علامه زندگی نامه خود نوشته ای<sup>۸</sup> دارد که در آن به زوایای مختلف زندگی خویش اشاره دارد و در اقدام به تألیف المیزان می نویسد: «هنگامی که از تبریز به قم آمدم، مطالعه ای در نیازهای جامعه اسلامی و مطالعه ای در وضع حوزه قم کردم و پس از سنجیدن آنها به این نتیجه رسیدم که این حوزه نیاز شدیدی به تفسیر قرآن دارد، تا مفاهیم والای اصیل ترین متن اسلامی و عظیم ترین امانت الهی را بهتر بشناسد و بهتر بشناساند. از سوی دیگر چون شبهات مادی رواج یافته بود، نیاز شدیدی به بحث های عقلی و فلسفی وجود داشت، تا حوزه بتواند مبانی فکری و عقیدتی اسلام را با براهین عقلی اثبات و از موضع حق خود، دفاع نماید. از این رو وظیفه شرعی خود دانستم که به یاری خدای متعال، در رفع این دو نیاز ضروری کوشش نمایم»

آیت الله مصباح یزدی در بیانی با اشاره به تمایل برخی مسلمانان بر تطبیق دستاوردهای مادی بر آیات قرآن خاطر نشان کرد: «همه اینها در حقیقت تفسیر مادی قرآن بود که به تدریج در حال رواج بود و نمونه هایی از

---

<sup>۸</sup> صلواتی، عبدالله، علامه طباطبایی و المیزان، ص ۵



آن در تفسیر المنار هم دیده می‌شود و در میان کشورهای شیعی همچون ایران هم طرفدارانی یافته بود به همین دلیل علامه احساس خطر کرد که این روش ادامه یابد. علامه به دنبال استفاده از قرآن به روشی متقن بود که از هرگونه لغزشی از جمله تطابق آیات بر دستاوردهای علوم انسانی و مادی بری باشد به همین دلیل از روش ائمه اطهار علیهم السلام بهره جست و تفسیر آیه به آیه را بکار گرفت و «المیزان را خلق نمود».<sup>۹</sup>

### مبحث هشتم) کارهای صورت گرفته پیرامون المیزان

ترجمه المیزان: این تفسیر دوبار ترجمه شده است؛ یکبار به صورت ناقص که برخی از جلد‌های آن را (پنج جلد) بزرگانی از جمله آیت الله مکارم، آیت الله گرامی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله محمدجواد حجتی ترجمه کرده اند. بار دیگر جناب سید محمد باقر موسوی همدانی آن را بطور کامل ترجمه کرد. این تفسیر علاوه بر زبان فارسی به زبان انگلیسی و اردو نیز ترجمه شده است.

فهرست های المیزان: این تفسیر دارای فهرست های متعددی از جمله فهرست موضوعی است که انتشارات جامعه مدرسین آن را چاپ کرده است. المیزان فهرست دیگری با عنوان «دلیل المیزان» دارد که تألیف آقای الیاس کلاتری می باشد. همچنین اعلام، امثله و موضوعات مختلف آن در سه جلد تنظیم شده است. کتاب «الطباطبایی و منهجه فی تفسیره المیزان» از آقای علی اوسی نیز برای یافتن مباحث المیزان کتاب مفیدی است.

### مبحث دهم) المیزان و علم بلاغت

اگر در علم ادبیات عرب (صرف و نحو) در میان تفاسیر شیعی، تفسیر مجمع البیان را یک تفسیر شاخص بنامیم در علم بلاغت نیز تفسیر المیزان را می توان تفسیری پیشگام دانست. اگر چه در بدو امر شاید چنین به ذهن نرسد ولی علامه به مباحث بلاغی اهتمام ویژه ای داشته است و اگر آیه ای جهت بلاغی داشته باشد معمولاً در این تفسیر به آن پرداخته شده است. دقت مولف المیزان در ذکر این مطالب نشان از آن است که بدون توجه به علم فصاحت و بلاغت، نمی توان فهم درستی از قرآن داشت. در میان بررسی های بلاغی علامه نگاه ایشان به مطالب بلاغی کشف زمخشری به وضوح دیده می شود و علامه بعضاً بطور مستقیم به کلام زمخشری پرداخته و آن را نقد و بررسی می نماید.

<sup>۹</sup> سخنرانی معظم له در همایش بین المللی اندیشه های علامه طباطبایی در المیزان، تاریخ ۱۳۹۳/۸/۲۲

## گفتار دوم) معرفی زمخشری و تفسیر کشاف

### مبحث اول) زندگینامه

ابوالقاسم محمود زمخشری ملقب به «جارالله» در سال ۴۶۷ق در «زمخشر» متولد شد. زمخشر روستایی کوچک و از توابع خوارزم بود و خوارزم نیز از شهرهای شمال خراسان بود. زمخشری دروس دینی را در وطن خود شروع نمود و سپس دوران نوجوانی و جوانی را در بغداد سپری و پس از آن به مکه سفر کرد و سالیانی را در جوار بیت الله الحرام سکنی گزید و به دعوت امیر مکه در آن شهر به تدریس مشغول شد و تفسیر کشاف را در همان جا به رشته تحریر درآورد. وی پس از مدتی به خوارزم برگشت و سال های پایانی عمر خویش را آنجا سپری نمود و در نهایت در سال ۵۳۸ق وفات یافت و در همان جا دفن گردید.<sup>۱۰</sup>

### مبحث دوم) تالیفات زمخشری

برخی از تالیفات زمخشری عبارت است از:

۱. تفسیر کشاف
۲. ربیع الابرار و فصوص الاخبار (که بیشتر شبیه یک کشکول می باشد)
۳. الفائق فی غریب الحدیث (که به توضیح لغات سخت احادیث اختصاص دارد)
۴. اساس البلاغه (کتابی است تک جلدی که به بیان معانی حقیقی الفاظ پرداخته است)

### مبحث سوم) شخصیت زمخشری در نگاه دیگران

سمعانی که معاصر زمخشری بوده است و در مرو (نزدیک خوارزم) می زیسته، می گوید: «زمخشری در علم نحو و ادب، شهره بود. محقق خوانساری از او تعبیر می کند به «الامام الاعظم و البحر الخضم و فخر خوارزم» امام اعظم و دریای بسیار بخشنده و فخر دیار خوارزم. ابن خلکان می گوید: «کان امام عصره من غیر مدافع» در زمان خود، امام و مقتدای بی رقیب روزگارش بود. محدث قمی می فرماید: «استاذ فن البلاغه» در فن بلاغت، استاد بود. حموی می نویسد: «کان متفنا فی علوم شتی» در علوم مختلفی، تبحر داشت.<sup>۱۱</sup>

<sup>۱۰</sup> معرفت، محمدهادی، التفسیر والمفسرون فی ثوبه التشیب ص ۴۸۰؛ ربانی بیرجندی، محمدحسن، سبک شناسی مفسران، ص ۶۳

<sup>۱۱</sup> همان ص ۶۵

## مبحث چهارم) تفسیر کشف

تفسیر کشف یکی از بهترین تفاسیر در زمینه تبیین اعجاز بلاغی قرآن و یکی از اثرگذارترین تفاسیر بر دیگر مفسرین می باشد. از آنجا که زمخشری خود یک ادیب زبردست بود، توانست این هنر خود را به زیبایی در تفسیر آیات قرآن به تصویر بکشد. البته ناگفته نماند که هر چه به مجلدات آخر کشف نزدیک تر می شویم رنگ بلاغی مباحث نیز کاهش می یابد. رویکرد اساسی زمخشری در آیات قرآن، رویکرد بیانی و ادبی است و با همین شیوه مباحث کلامی را مطرح می کند. وی مدعی است اگر کسی به علم معانی و بیان آگاه نباشد، نباید وارد تفسیر قرآن شود. ایشان می نویسد: «اگرچه فقیه، متکلم، واعظ، نحوی، و لغوی هر یک در رشته خود بر تمام دانشمندان زمان خویش برتری داشته باشد، هیچکدام شیوه فهم دقیق و صحیح را ندارند و به حقائق دست نمی یابند مگر اینکه در دو علم که مختص قرآن است، تخصص پیدا کنند، و آن علم معانی و بیان است»<sup>۱۲</sup>.

خود زمخشری در مورد تفسیرش چنین می سراید:

إن التفاسیر فی الدنیا بلاعدد و لیس فیها لعمری مثل کشفی

إن كنت تبغی الهدی فالزم قرائته فالجهل کالداء و الکشف کالشاف<sup>۱۳</sup>

همانا تفاسیر در دنیا بی شمارند و به جانم قسم هیچ یک مانند کشف من نیستند. اگر خواهان هدایت هستی، پس ملزم نما خود را به قرائت کشف که جهل چون بیماری است و کشف من چونان دواست.

## مبحث پنجم) کشف و علم بلاغت

اعجاز قرآن از جهات گوناگون است و شاید بتوان در رأس این وجوه، اعجاز ادبی و بلاغی قرآن را معرفی کرد چرا که قرآن در سرزمین و زمانی نازل شد که افتخار مردم آن سرزمین در آن زمان، ادبیات و اشعار زیبا و متون فاخر ادبی بود و این ادبیات و بلاغت اعجاز آمیز قرآن بود که توانست دیگران را از آوردن ماندش عاجز نماید و حقانیت نبی مکرم اسلام را اثبات نماید. تفسیر کشف در تبیین این امتیاز قرآن، ممتاز است و شاید هیچ تفسیری پیش و پس از آن نتوانسته است به آن قله رفیعی که کشف در آن قرار دارد برسد.

<sup>۱۲</sup> زمخشری، جارالله، الکشف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، ج ۱ مقدمه ص ۲

<sup>۱۳</sup> ربانی بیرجندی، محمدحسن، سبک شناسی مفسران ص ۷۲

زمخشری با تسلطی که بر مباحث فصاحت و بلاغت و علوم ادبی داشت، این علوم را به خدمت قرآن گرفت و نکات بلغی قرآن را موشکافی کرد. کمتر فرازی از آیات شریفه قرآن را می توان یافت که وی به مباحث و نکات دقیق بلاغی آن توجه نکرده باشد.<sup>۱۴</sup>

### مبحث ششم) نظر دیگران در مورد کشف

تفسیر کشف مورد ستایش بسیاری از دانشمندان قرار گرفته است، سیوطی می نویسد: گروهی از اصحاب با دقت در علوم بلاغت و جوه اعجاز قرآن را درک می کنند که صاحب کشف پادشاه این شیوه است، به همین جهت کتابش مشرق و مغرب را پر کرده است.<sup>۱۵</sup>

آیت الله معرفت در بیانی می فرماید: «و هو تفسیر قیم لم یسبق له نظیر فی الکشف عن جمال القرآن و بلاغته و سحر بیانہ، فقد امتاز المؤلف بالمامه بلغۃ العرب و المعرفۃ بأشعارهم و الاحاطۃ بعلوم البلاغۃ و البیان و الاعراب».<sup>۱۶</sup> کشف تفسیر ارزشمندی است که در تفاسیر قبلی از جهت تبیین جوه اعجاز بلاغی قرآن مانندی برای آن پیدا نمی شود و مولف آن در توجه به مطالب ادبی و بلاغی و تسلط بر آن و بکارگیری آن در تفسیر آیات بی نظیر است.

### مبحث هفتم) کشف و سائر تفاسیر

مرحوم طبرسی هم عصر زمخشری بوده است، اما هنگام ملاحظه کشف آن را پسندیده و تصمیم می گیرد آن را خلاصه کند و دیدگاه های شیعه را نیز در آن بیاورد؛ به همین دلیل «جوامع الجامع» را می نویسد. طبرسی خود در مقدمه جوامع الجامع می فرماید: «پس از آن که تألیف کتاب شریف مجمع البیان را در روز پنج شنبه نیمه ذی القعدة سال ۵۳۶ق به پایان بردم، به تفسیر کشف برخوردم و یافتم که تفسیری مهم است باشد.

---

<sup>۱۴</sup> البته به نظر نگارنده این دقت زمخشری در تبیین بلاغت آیات در سور ابتدایی قرآن نمود بیشتری دارد و هر چه رو به سمت پایان قرآن می رویم تبیین های بلاغی زمخشری نیز کم رنگ تر می شود.

<sup>۱۵</sup> علوی مهر، حسین، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، ص ۲۵۲

<sup>۱۶</sup> معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه التفسیر ص ۴۸۰